

بازکاوی تطبیقی جمع دو سوره در نماز واجب

محمد امامی،^۱ سید علی دلبری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲)

چکیده

از جمله مسائل مورد اختلاف فقهای مذاهب اسلامی، «قران» در نماز واجب است. «قران» به معنای جمع نمودن میان دو سوره قرآن کریم بعد از حمد در یک رکعت از نماز است. مسئله‌ای که باید پاسخ داده شود این است که با توجه به اینکه قرائت قرآن در کتاب و سنت بسیار سفارش شده و از دیگر سوی در روایات، قرائت دو سوره بعد از حمد مورد نهی قرار گرفته است، وظیفه چیست؟ فتوای برخی از فقها تحریم و حتی بعضاً مبطل بودن آن است. برخی دیگر آن را تجویز نموده و اما مکروه می‌شمارند و شماری نیز آن را مباح می‌دانند. این مقاله با نگاهی تقریبی و به‌شیوه تحلیلی موضوع را بازکاوی کرده است. براساس مطالعه انجام‌گرفته، به‌استناد آیات قرآن کریم و احادیث رسیده از پیامبر اکرم ﷺ و با عنایت به سایر ادله فقهی موجود، به نظر می‌رسد که مقتضای جمع میان ادله، کراهت قران باشد.

کلیدواژه‌ها: سوره، قران، نماز، قرائت.

طرح مسئله

یکی از واجبات نماز قرائت است (نک: حلی، بی‌تا، ۳۸/۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۸ش، ۱۰۷/۱؛ نووی، بی‌تا، ۳۳۰/۳؛ رافعی، بی‌تا، ۳۱۱/۳)، که وجوب آن مورد اتفاق فقهای امامیه (نک: حلی، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۱۴) و جمهور اهل سنت (نک: نووی، بی‌تا، ۳۲۷/۳) است

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)/

dr.imami@razavi.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی / saddlebari@gmail.com

و شرط صحت نماز می‌باشد، گرچه براساس نص (نک: کلینی، ۱۳۸۸ش، ۳/۳۴۷) و فتوی ترک سهوی آن مبطل نمی‌باشد (نک: فخرالمحققین، ۱۳۷۸ش، ۱/۱۰۷). دلایلی چند بر وجوب قرائت سوره حمد در رکعت اول و دوم دلالت دارد که از باب نمونه به دو دلیل اشاره می‌شود:

۱. روایات رسیده از پیامبر اکرم ﷺ از طریق اهل سنت و امامیه که بین فریقین مشهور و متلقی به قبول است؛ بدین مضمون که ایشان فرمودند: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب؛ نماز بدون فاتحه، نماز نیست» (ابن ابی‌جمهور، ۱۳۶۲ش، ۲/۲۱۸؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ۱/۱۸۴؛ مسلم، بی‌تا، ۲/۹؛ ابن حنبل، بی‌تا، ۵/۳۲۲؛ دارمی، بی‌تا، ۱/۲۸۳). اگرچه این روایت در منابع شیعه از استحکام لازم برخوردار نیست، اما ضعف سندی آن به وسیله شهرت عملی (نک: محقق حلی، بی‌تا، ۲/۳۴۹؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۴۰؛ شهید ثانی، بی‌تا، ۲/۱۷۳؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ۳/۹) جبران می‌شود. از این قبیل است حدیث پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «لا صلاة لمن لا یقرء بفاتحة الكتاب؛ نماز کسی که فاتحه کتاب نخواند، نماز نیست.» (مسلم، بی‌تا، ۲/۹؛ ابوداود، ۱۹۹۰م، ۱/۱۸۸؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۵۶؛ نسائی، ۱۳۴۸ق، ۲/۱۳۸).

این روایات در وجوب حمد و عدم صحت نماز در صورت فقدان آن ظهور دارد، زیرا «لا» برای نفی جنس است و روایات نیز می‌گویند: نماز بدون حمد، اصلاً نماز نیست، بدین معنا که نماز صحیح نیست، نه اینکه بخواهد کمال آن را نفی کند. دو قرینه بر تأیید این معنا وجود دارد. یکی، حمل این عبارت بر همین معنا و استفاده وجوب از آن توسط همه فقها و دیگر، روایاتی که در این زمینه وجود دارد، مثل روایت ابی‌بصیر در مورد کسی که خواندن آن را فراموش کرده است که حضرت صادق ﷺ در این باره فرمود: «اگر به رکوع نرفته است، حمد را اعاده نماید» (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۳/۳۴۷)؛ که اگر خواندن فاتحه واجب نبود، نیازی به اعاده نبود.

۲. روایات رسیده از طریق اهل بیت ﷺ مثل روایت محمد بن مسلم که از امام باقر ﷺ در مورد کسی که فاتحه را نخواند سؤال شد و حضرت فرمود: «نمازش نماز نیست مگر اینکه فاتحه را در آن نماز به صورت جهر یا اخفات بخواند» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۴/۷۳۲). بعد از قرائت سوره فاتحه در نماز، نوبت قرائت یک سوره از قرآن است که از دو جهت مورد اختلاف است.

نخست آنکه آیا بعد از حمد باید سوره‌ای کامل خوانده شود یا خواندن بخشی از آن کافی است؟ در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. شافعیه، مالکیه و حنابله آن را مستحب می‌دانند، البته با این تفاوت که حنابله می‌گویند باید یک آیه مستقل که از نظر معنا به قبل و بعد ارتباط ندارد، قرائت نمود (نک: بهوتی، ۱۴۱۸ق، ۱/۴۱۰)، شافعیه می‌گویند هر مقدار که قرائت شود کافی است، اما خواندن یک سوره کامل هرچند کوتاه باشد افضل است (نک: نووی، بی‌تا، ۳/۳۸۵). مالکیه هم یک سوره کامل را مستحب می‌دانند (نک: خطاب، ۱۴۱۶ق، ۲/۲۲۲). در این میان بعضی از حنفیها خواندن سوره را بعد از فاتحه واجب تخییری می‌دانند. در این نظریه، انسان مخیر است سوره کامل بخواند یا یک آیه طولانی و یا سه آیه کوتاه (کاسانی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۶۰؛ جزیری، بی‌تا، ۱/۲۵۴) را تلاوت نماید. بعضی مثل سمرقندی نیز خواندن حمد و سوره کامل را واجب می‌شمردند (نک: سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۲۹). نقطه مشترک این نظرات، مطلوبیت قرائت مقداری از آن، بعد از فاتحه می‌باشد. در میان فقهای امامیه، مشهور (نک: حلی، ۱۳۳۳ش، ۱/۲۷۲؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ۱/۲۱۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ق، ۳/۳۸۴، خمینی، بی‌تا، ۱/۱۶۵) آن را واجب می‌دانند، در حالی که برخی از فقها (نک: عاملی، ۱۴۱۰ق، ۳/۳۴۷) سوره کامل را واجب نمی‌دانند (برای مطالعه بیشتر نک: امامی، ۱۳۸۵ش، ۲۵).

سؤال اساسی دیگر مطرح و مورد مطالعه این جستار در این زمینه آن است که آیا قرائت بعد از حمد در نماز، براساس نهی رسیده در روایات، باید محدود به یک سوره باشد یا به استناد آیات و روایاتی که سفارش به قرائت هرچه بیشتر قرآن می‌نماید، می‌تواند بیش از یک سوره نیز قرائت نمود؟

موضوع بحث این جستار پاسخ به این پرسش، یعنی بررسی قرآن در نماز است، بدین معنا که آیا در رکعت اول و دوم نمازهای واجب روزانه، پس از خواندن فاتحه، تلاوت دو سوره کامل جایز است؟ یا اینکه تکرار قرائت یک سوره یا قرائت دو سوره متفاوت موجب خلل و بطلان نماز است؟ بررسی این موضوع، ضمن مطالعه یک موضوع فقهی با نگاهی نو بر مبنای منابع اسلامی، موجب تقریب مذاهب اسلامی است، چه اینکه دیدگاه مذاهب مختلف براساس منابع فقهی و به‌ویژه براساس مشترکات به‌گونه‌ای علمی و با پرهیز از تعصب مورد کنکاش قرار می‌گیرد. لازم به یادآوری است که این بحث در مورد نماز واجب است و در نمازهای نافله همه آن را جایز می‌دانند و محل بحث ما نیست. هم‌چنان-

که قرائت بیش از یک سوره به قصد قرائت قرآن نه به قصد جزئیت جایز و از محل بحث خارج است.

در این مقاله پس از تعریف قرآن در سوره و بیان مفهوم آن، دلایل قائلان به عدم جواز قرائت دو سوره کامل بعد از حمد و نیز دلایل قائلان به جواز آن، بیان گردیده و در نهایت نویسندگان نظر خود و دلایل آن را بر مبنای استدلال به کتاب، سنت و سایر مستندات فقهی بیان می‌نمایند.

مفهوم شناسی قرآن در سوره

واژه «قرآن» اسم مصدر از ماده قرن (فیومی، بی‌تا، ۵۰۰/۲) و به معنای جمع میان دو چیز مانند جمع میان حج و عمره می‌باشد. (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۶۶۷). خلیل بن احمد جمع میان دو خرما در هنگام خوردن و جمع بین حج و عمره را از مصادیق قرآن آورده است: «و القرآنُ أن يُقارَنَ بینَ تمرَینِ یا کُلَهُما معاً، و فی الحدیث لا قرآنَ و لا تفتیش فی أکل التمر. و القرآنُ أن تقرنَ حجة و عمرة معاً». (فراهیدی، ۱۴۱۹ق، ۱۴۰/۵). و در فقه مقصود از قرآن در نماز، جمع کردن و قرین ساختن دو سوره از قرآن در یک رکعت بعد از حمد است.

در معنای لغوی و منشأ اشتقاق کلمه «سوره» اقوال مختلفی وجود دارد. بعضی آن را از سور بمعنی حصار دانسته‌اند. در زبان عربی حصار را که دور شهر می‌کشیدند و شهر را در داخل خود جای می‌داد و بر تمام آن احاطه داشت سور می‌گفتند. «سور البلد» دیوار مرتفعی بود که دور شهر کشیده می‌شد. گویا آیات هر سوره قرآن داخل حصار قرار گرفته و از این جهت بدان سوره می‌گویند. بعضی آن را از سوار، به معنی دستبند دانسته‌اند، چون سوره قرآن به منزله دستبندی آیاتی از آن را احاطه نموده است. در این مورد نظرات دیگری نیز وجود دارد (نک: حجتی، ۱۳۷۲ش، ۸۴-۸۳). اما این واژه در اصطلاح به معنی «بخشی از آیات قرآن می‌باشد که دارای آغاز و انجامی است» (نک: همان، ۸۴). بعضی نیز گفته‌اند: «سوره بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسمله قرار دارد» (نک: سیوطی، بی‌تا، ۹۰/۱). به هر حال دو تعریف فوق قابل جمع هستند و مفهوم دقیق آن در این جستار از اهمیت چندانی برخوردار نمی‌باشد، زیرا منظور فقها از سوره کاملاً روشن است.

در مسئله قرآن به معنای جمع میان دو سوره، میان فقهای مذاهب اسلامی اختلاف است.

دیدگاه فقهای شیعه

علمای مکتب اهل بیت علیهم السلام در این مسئله فقهی اختلاف دارند:

۱- بعضی از فقهای امامیه و به ویژه بعضی از قدما قائل به حرمت آن هستند (نک: بحرانی، بی تا، ۱۴۵/۸) و حتی بعضی آن را مبطل نماز می دانند. شیخ طوسی در نهاییه می گوید: جمع بین دو سوره در نمازهای فریضه بعد از حمد، جایز نیست و هرکس عمداً این کار را انجام دهد، نمازش فاسد است (طوسی، بی تا، ۷۵). شایسته است بدانیم که شیخ در کتاب مبسوط از این نظریه بازگشته و قرآن را مبطل نماز نمی داند و می فرماید: «حکم به بطلان نمازش نمی شود» (همو، ۱۳۸۷ ش، ۱۰۷/۱).

۲- در مقابل، بسیاری از فقهای امامیه آن را جایز همراه با کراهت شمرده اند. از عبارت شیخ طوسی در استبصار کراهت و نه حرمت برداشت می شود، چه اینکه وی بعد از نقل روایت علی بن یقظین که امام کاظم علیه السلام در آن می فرماید: «اشکال ندارد» (همو، ۱۳۶۳ ش، ۳۱۷/۱)، می گوید: «این خبر را باید به نوعی اجازه تلقی نماییم، هرچند افضل آن چیزی است که قبلاً گفتیم، زیرا در بین مبطلات نماز، جمع بین دو سوره از چیزهایی که نماز را باطل شمرده، نیامده است و روایات نیز در کراهت آن صراحت دارد» (همان، ۳۱۷/۱). ابن ادریس نیز آن را مکروه دانسته است و مبطل نماز نمی شمارد. وی می گوید: «اعاده نماز و بطلان آن نیازمند دلیل است و علمای ما مبطلات نماز را جمع آوری کرده اند و جمع بین دو سوره را از جمله آنها نیاورده اند و اصل هم در این مورد صحت نماز است» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ۲۲۰/۱).

شهید اول که در ذکری صریحاً قائل به جواز آن شده است (شهید اول، ۱۴۱۹ ق، ۳۲۶/۳)، روایات دال بر جواز را تمام می شمارد و با حمل روایات نهی بر کراهت، اصل را صحت می داند.

محقق کرکی بعد از نقل اقوال علما و بررسی روایات می گوید: «نظریه صحیح تر جمع میان دو دسته از اخبار با حمل بر کراهت است» (محقق کرکی، ۱۴۰۸ ق، ۲۴۴/۲). صاحب جواهر نیز بعد از نقل نظر مشهور قدما می گوید: «و قیل و القائل اکثر المتأخرین یجوز» و بعد نظر خودش را بیان کرده و می فرماید که در عین حال از تأمل در آنچه ذکر

کردیم، روشن می‌شود که قول به کراهت که مصنف (یعنی محقق حلی) فرموده، اشبه به قواعد و اقوی است (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۳۵۴/۹).

سید یزدی در عروه نیز همین را پذیرفته است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۶۴۷/۱) و امام خمینی نیز می‌فرماید: «اقوی جواز قرائت بیش از یک سوره در نماز واجب، بنابر کراهت است» (خمینی، بی‌تا، ۲۲۰/۱).

دیدگاه فقهای حنبلی

اکثر حنابله اکتفا به یک سوره را مستحب و «قران» را مکروه می‌شمارند. ابن‌قدمه با طرح دو قول در این زمینه - یکی کراهت قران و دیگری جواز آن - می‌گوید: «در نماز فریضه، مستحب است علاوه بر فاتحه بر یک سوره اکتفا شود و بر یک سوره چیزی نیفزاید، به - دلیل اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اکثر نمازهای خود چنین می‌کرده است» (ابن‌قدمه، بی‌تا، ۴۹۴/۱). اما برخی دیگر از حنابله آن را جایز و غیرمکروه برشمرده‌اند (نک: بهوتی، ۱۴۱۸ق، ۴۵۲/۱).

دیدگاه فقهای شافعیه

شافعیه آن را غیرمکروه می‌شمارند. نووی می‌گوید: «حدیث ابی‌وائل درباره جمع بین دو سوره آمده است» (نووی، بی‌تا، ۳۴۷/۳).

دیدگاه فقهای مالکیه

مالکیه نیز دو قول دارند که عبارت است از کراهت قران و عدم آن و اکثراً قائل به جواز و عدم کراهت هستند (دسوقی، بی‌تا، ۲۴۲/۱).

دیدگاه فقهای حنفیه

از ابوحنیفه نیز نقل شده است که خوشایند نمی‌داند بعد از حمد دو سوره خوانده شود، اما چنانچه قرائت شود، مکروه نیست (ابن‌عابدین، ۱۹۹۵م، ۵۰۳/۱).

خلاصه مطلب اینکه: در میان مذاهب اسلامی در مورد جمع بین دو سوره در یک رکعت نماز واجب سه نظریه است. حرمت، کراهت و جواز؛ که فقهای امامیه به دو قول اول

و فقهای سایر مذاهب هیچ‌کدام قائل به حرمت قرآن نیستند و در میان آنها امر دایر است میان کراهت و عدم آن.

دلایل عدم جواز قرآن

برخی از فقهای امامیه مانند شیخ طوسی که قائل به عدم جواز جمع بین دو سوره شده‌اند برای اثبات قول خود به روایاتی استناد جسته‌اند:

۱- روایت منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام که آن حضرت فرمود: «لایقرأ فی المكتوبة باقل من سورة ولا بأكثر؛ در نماز واجب کمتر و بیشتر از یک سوره قرائت نشود» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۴/۷۳۶). می‌دانیم که صیغه نهی ظهور در حرمت دارد (نک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۱۸۸) و مکتوبه نیز ظهور در عمل عبادی فریضه دارد (نک: طبرسی، ۱۴۱۵، ۶/۲). هرچند این احتمال می‌رود که در یک نماز واجب نباید بیش از یک سوره یا کمتر از آن قرائت نمود، اما ظاهر این است که در هر رکعت از نماز واجب نباید بیش از یک سوره یا کمتر از آن قرائت شود.

۲- در خبر مفضل بن صالح آمده است: «لا یجمع بین سورتین فی رکعة إلا الضحی و الم نشرح و الفیل و لایلاف؛ بین دو سوره در یک رکعت جز بین ضحی و الم نشرح و نیز فیل و ایلاف جمع نمی‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۴/۷۴۴).

۳- محمد بن مسلم از امام باقر یا صادق علیه السلام روایت نموده است: «سألته عن الرجل یقرأ السورتین فی الرکعة فقال: لا لكل سورة رکعة؛ از ایشان (امام باقر یا صادق علیه السلام) در مورد فردی که در یک رکعت دو سوره قرائت می‌کند سؤال کردم. فرمودند: نه، برای هر سوره یک رکعت است» (همان، ۷۴۰/۴). این تعبیر که برای هر سوره یک رکعت است بعد از تخطئه قرائت دو سوره در یک رکعت، اشاره به این است که نباید در یک رکعت بیش از سوره قرائت شود.

نقد و بررسی روایات عدم جواز قرآن

این روایات بر فرض پذیرش دلالت آنها و به فرض صحت سند، مبتلا به معارض هستند، زیرا در قبال آنها دو دسته از روایات وجود دارد و نیز با ظاهر آیه شریفه «فَأَقْرَأُوا مَا تَسْرَرُ مِنَ الْقُرْآنِ؛ هرچه از قرآن میسر شود، بخوانید» (مزمل، ۲۰) منافات دارند. برای حل این

تعارض دو راه وجود دارد؛ یکی، حمل این روایات بر کراهت و دیگری، تخصیص آیه و نیز طرح یا توجیه سایر روایات. با توجه به اینکه استعمال نهی در کراهت، عملی رایج و شایع است، تا جایی که گفته شده استعمال نهی در کراهت و نیز در حرمت هر دو حقیقت است، (قمی، بی تا، ۱۳۶) این احادیث که ظهور در حرمت دارند، به قرینه احادیث صحیحه متعددی که دال بر جوازند، بر کراهت حمل می‌شوند، زیرا برای راه حل دوم یعنی توجیه روایات دال بر جواز قران، راه حل مناسبی وجود ندارد. از این روی، به نظر می‌رسد این روایات نمی‌تواند حرمت را اثبات نماید. پس جمع عرفی بین دو دسته روایات که دارای قرائن قابل قبول است ایزاری برای توجیه این دسته از روایات است. توضیح بیشتر این بحث، بعد از ذکر ادله جواز جمع بین دو سوره خواهد آمد.

دلایل جواز با کراهت جمع بین دو سوره

برای اثبات جواز قران نیز به دلایلی تمسک شده است:

- ۱- از اطلاق آیه «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ هر چه از قرآن میسر شود، بخوانید» (مزل، ۲۰)، می‌توان برای جواز قرائت بیش از یک سوره استفاده کرد، زیرا آنچه می‌خوانیم بخشهایی از قرآن است و آیه مذکور شامل آن بوده و قرائت آن را تجویز می‌کند (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۲/۲۲۱ و نجفی، ۱۳۶۵ش، ۹/۳۵۴). البته با توجه به روایات متعدد در منابع شیعه و اهل سنت و اتفاق نظر موجود مبنی بر حداقل کراهت قران، از ظهور آیه در عدم کراهت دست برداشته می‌شود اما اصل جواز آن به حال خود باقی می‌ماند.
- ۲- برخی از فقهای مذاهب به ویژه حنابله مانند ابن قدامه جمع بین دو دسته از روایات را مباح همراه با کراهت می‌دانند. از طرفی روایات وارده در مورد فعل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دال بر جواز است، مثل گزارش ابن مسعود که گفته است: «مواردی را می‌دانم که رسول خدا بین دو سوره جمع نموده است» (نووی، بی تا، ۳/۳۴۷) و مثل روایت عبدالله بن قتاده از پدرش که می‌گوید: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در نماز ظهر، بین فاتحه و دو سوره در دو رکعت اول نماز جمع فرمود» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۱/۱۸۵؛ مسلم، بی تا، ۱/۱۵۴) و از دیگر سو نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ خود در نماز فریضه به قرائت یک سوره اکتفا می‌نموده است. او هم چنین به معاذ امر نمود که نمازش را این گونه انجام دهد (نک: ابن قدامه، بی تا، ۱/۵۳۶).

۳- روایات رسیده از اهل بیت پیامبر اکرم علیه السلام، از قبیل صحیحہ علی بن یقظین که می‌گوید: «از امام کاظم علیه السلام در مورد جمع بین دو سوره در نماز واجب و مستحب سؤال کردم. حضرت فرمود: مانعی ندارد. و در مورد خواندن بخشی از یک سوره و تبعیض آن در نماز پرسیدم. حضرت فرمود: آن را ناشایست می‌دارم اما در نافله ایرادی ندارد»^۳ (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲/۲۹۶).

موقفه زراره و احادیث دیگر نیز به همین مضمون می‌باشند، در روایت زراره، امام باقر علیه السلام با صراحت تمام بین نماز واجب و نافله فرق می‌گذارد و می‌فرماید در نماز واجب مکروه است و در نافله اشکالی ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۴/۷۴۱). شهید ثانی این عبارت را غیر قابل توجیه شمرده و می‌نویسد: «این عبارت در این باب تصریح دارد. پس قول به کراهت موجه‌تر می‌نماید، زیرا حمل بر کراهت، اولی از طرح دو روایت دال بر جواز است» (شهید ثانی، بی‌تا، ۲۶۴). در روایت علی بن یقظین نیز دو سؤال از امام علیه السلام پرسیده شده است و جواب امام علیه السلام با توجه به سؤالی که پرسیده شده صراحت دارد در جواز. سؤال اول در مورد جمع بین دو سوره بوده، خواه در نافله و خواه در نماز واجب که امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد. سؤال دوم در مورد خواندن قسمتی از یک سوره در نماز است که امام علیه السلام فرمود در نافله اشکال ندارد و در نماز واجب نمی‌پسندم.

۴- تمسک به اصل؛ چه اینکه با شروع به خواندن سوره دوم، بر فرض عدم تمامیت دلایل جواز یا عدم آن به دلیل تعارض دو طایفه روایات و فقدان مرجح برای یکی از آنها، شک حاصل می‌شود که آیا نماز باطل شد یا خیر؟ و آیا نماز خوانده شده باید اعاده گردد یا خیر؟ در این مورد استصحاب صحت نماز جاری است و حکم صحت بر آن بار می‌شود. گرچه براساس توضیح داده شده، باید کراهت را پذیرفت (نک: عاملی، ۱۴۱۰ق، ۳/۳۵۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/۲۲۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۲/۲۲۱).

۳. سألت أبا الحسن علیه السلام عن القرآن بين السورتين في المكتوبة والنافلة قال: لا بأس و عن تبعيض السورة قال: أكره ذلك ولا بأس به في النافلة.

نقد و بررسی دلایل کراهت قرآن

۱- دلالت آیه قرآن بر جواز براساس اطلاق است و کاربرد آن تا جایی است که قرینه‌ای بر خلاف آن وجود نداشته باشد و در صورتی که دلیلی بر خلاف آن اثبات شود، قابل استناد نیست؛ کما اینکه قائلان به کراهت نیز از این اطلاق آیه قرآن دست برداشته‌اند.

۲- اشکال روایت ابن مسعود (هرچند ظاهراً اطلاق دارد) این است که در مورد نماز نافله است کما اینکه ابن‌قدمه نیز می‌گوید این روایت مربوط به نوافل است و به آن برای جواز جمع بین دو سوره در نوافل، استدلال کرده است (ابن‌قدمه، بی‌تا، ۱/۴۹۵). در روایت دوم نیز کلمه سورتین که محل استدلال است دو احتمال دارد:

۳- در هر رکعت، بعد از حمد دو سوره خوانده است که می‌شود برای مسئله مورد بحث به آن استدلال نمود.

۴- در نماز ظهر، در دو رکعت اول، حمد و دو سوره را خوانده است، یعنی در مجموع دو رکعت دو سوره بعد از حمد خوانده شده است که ارتباط به محل بحث ندارد و چون در این روایت دو احتمال است نمی‌توان به آن استدلال نمود، به‌ویژه که عملکرد شخص پیامبر ﷺ نیز خلاف این است.

۵- روایات رسیده از فرزندان پیامبر اکرم ﷺ نیز مبتلا به معارض است و باید این تعارض مورد بررسی قرار گیرد و آن‌گاه نسبت به این روایات اظهار نظر کرد.

دلایل جواز قرآن بدون کراهت

از جمله فقهایی که قائل به جواز جمع بین دو سوره بدون کراهت هستند، فقهای شافعی، حنفی و بعضی از مالکیه را می‌توان نام برد که برای اثبات این نظریه به دو دلیل استناد جسته‌اند.

۱- از اطلاق آیه «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ هرچه از قرآن میسر شود، بخوانید» (مزمّل، ۲۰)، می‌توان برای جواز قرائت بیش از یک سوره استفاده کرد، زیرا آنچه می‌خوانیم بخشهایی از قرآن است که بدان امر شده است. (نووی، بی‌تا، ۳/۳۴۷).

۲- حدیث ابی‌وائل که از ابن‌مسعود نقل می‌کند که وی مواردی را می‌داند که پیامبر (ص) در آن بین دو سوره جمع نمودند: «مواردی را می‌دانم که رسول خدا بین دو سوره جمع نموده است» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۱/۱۸۹).

۳- ابن قدامه روایتی نقل می‌کند که شخصی از انصار همواره پس از حمد سوره توحید و سپس سوره‌ای دیگر قرائت می‌نمود. پیامبر ﷺ علت را جويا شد. وی پاسخ داد این‌گونه دوست دارم. سپس حضرت فرمود این دوست داشتنت تو را به بهشت خواهد برد (ابن- قدامه، بی تا، ۶۱۲/۱).

نقد و بررسی دلایل جواز

همان‌گونه که بیان شد اطلاق آیه به وسیله دلایل دال بر کراهت و یا حرمت مقید می‌گردد و باید از ظهور آیه دست کشید.

حداکثر چیزی که از حدیث ابی وائل برداشت می‌شود، جواز همراه با کراهت است، کما اینکه رفتار و توصیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز تداوم بر اکتفا به یک سوره را می‌رساند. و نیز حدیثی که در آن نماز را به معاذ می‌آموخت، مشتمل بر قرائت یک سوره است. این می‌تواند قرینه‌ای بر اولویت اکتفا به یک سوره باشد. ابن قدامه در این مورد می‌گوید پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بیشتر نمازهایشان این چنین انجام داده‌اند و به معاذ نیز دستور دادند چنین کند (همان، ۴۹۴/۱).

حدیث سوم نیز از نظر سندی دارای ضعف و غیرقابل استناد است، چنان‌که بخاری آن را معلق و ترمذی آن را صحیح غریب می‌شمارد (همان، ۶۱۲/۱).

بررسی تعارض اخبار

تعارض اخبار در دو سطح بررسی سندی و نیز بررسی دلالی مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

۱. بررسی سندی

در میان دلایل ارائه شده برای هر یک از اقوال، روایاتی وجود دارد که از حیث سند قابل قبول و معتبر هستند و از این جهت به نظر می‌رسد هیچ یک از اقوال را نمی‌توان مردود دانست (نک: طوسی، ۱۳۶۳ش، ۳۱۷/۱، ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۲۲۰/۱). تنها نکته مطرح شده، اشکال علامه حلی بر یکی از روایات دال بر جواز است. وی در مورد عبدالله بن بکیر که در سند روایت زراره قرار دارد، اشکال می‌کند و می‌فرماید در مورد وی چیزهایی گفته می‌شود (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱۵۲/۲) و لذا روایت وی مبنی بر جواز قرآن قابل قبول نیست.

اما این ایراد علامه وارد نمی‌باشد، زیرا گرچه عبدالله بن بکیر از نظر اعتقادی فطحی است، لکن وی فردی موثق و مورد اعتماد است و در نتیجه روایت وی قابل استناد است. چنان‌که شیخ طوسی در مورد وی می‌گوید: «گرچه مذهب او فطحی است، لکن موثق و مورد اطمینان است» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۷۳). علامه نیز خود در خلاصه الاقوال پس از نقل سخن شیخ طوسی، از مرحوم کشی نقل می‌کند که: «عبدالله بن بکیر و جماعتی از فطحیه از فقهای اصحاب ما هستند.» و نیز کشی در جایی دیگر وی را جزو اصحاب اجماع شمرده و می‌گوید: «اصحاب اتفاق نظر دارند بر اینکه روایاتی که از طریق صحیح به وی برسد صحیح شمرده شود.» و در پایان علامه روایات عبدالله بن بکیر را با وجود انحراف عقیدتی، مورد اعتماد می‌داند و می‌نویسد: «گرچه مذهب او فاسد است، من بر روایات او اعتماد می‌کنم» (حلی، ۱۴۱۷ق، ۱۹۵). ابن داود نیز وی را فتحی اما ثقه معرفی می‌کند (ابن داود، ۱۳۹۲ق، ۲۵۳). از این رو دلایل همه اقوال از نظر سند قابل پذیرش است.

۲. بررسی دلالی

چنانچه ملاحظه شد دلایل و روایات پیرامون جمع بین دو سوره در یک رکعت بعد از حمد در نماز واجب سه دسته هستند. دسته‌ای دال بر جواز بدون کراهت که ظاهر آیه شریفه قرآن و روایت ابی وائل است. دسته دوم، دال بر کراهت می‌باشد و دسته دیگر دال بر عدم جواز. به دلیل اتفاق فقهای شیعه و سنی بر حداقل کراهت قرآن (نک: نووی، بی تا، ۳۴۷/۳؛ ابن قدامه، بی تا، ۴۹۴/۱؛ طوسی، ۱۳۶۳ش، ۳۱۷/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۲۲۰/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۳۲۶/۳) و نیز مخالفت رفتار عملی پیامبر ﷺ و رفتار آموزشی وی (ابن قدامه، بی تا، ۴۹۴/۱) و نیز مخالفت تمام روایات رسیده از فرزندان پیامبر ﷺ با ظاهر آیه و روایات دال بر جواز، از ظهور آنها دست کشیده و باید قدر متیقن کراهت جمع بین دو سوره را پذیرفت. اما برای جمع بین سایر روایات سه راه حل به نظر می‌رسد.

۱- حمل روایات دال بر جواز بر نمازهای نافله، که اکثر قائلین به حرمت قرآن، این راه را انتخاب نموده‌اند. نتیجه این حمل جواز قرآن در خصوص نمازهای نافله است، اما در فریضه جایز نیست. چنان‌که عنوان یکی از ابواب کتاب وسایل الشیعه «عدم جواز قرآن در

فریضه و جواز آن در نافله» قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۷۴۱/۴). اشکال این حمل این است که تصریح بعضی از روایات در مورد نمازهای واجب با آن سازگار نیست، مثلاً در روایت زراره، در مورد نماز واجب امام علیه السلام فرمود: مکروه است و در مورد نماز مستحب می‌فرماید هیچ اشکالی ندارد. قائلان به حرمت باید کلمه «اکره» را در این روایت بر تحریم حمل کنند تا بتوانند از آنها حکم حرمت قران را استنباط نمایند و در مفهوم روایات دال بر حرمت تصرف نمایند که این قابل قبول نیست، زیرا استعمال ماده کراهت در حرمت نادر است، برخلاف استعمال نهی در کراهت.

۲- راه حل دوم، حمل روایات جواز بر تقیه است. چنان‌که حر عاملی در وسایل بعد از نقل روایت علی بن یقظین می‌گوید: «و یمکن حمله علی التقیه» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۷۴۲/۴). اشکال این حمل آن است که تقیه در صورتی است که نظر مخالفین در مسئله مورد بحث با نظر امامیه متضاد باشد و آنها بر اعمال نظر خود تأکید ورزیده، مخالفین خود را مورد هجمه قرار داده و اجازه اظهار نظر به آنها را ندهند. حال آنکه این مسئله در بسیاری از کتب معتبر فقهی اهل سنت از قبیل الام، الفقه المنهجي و... مطرح نشده و نیز حنابله اکتفا به یک سوره را مستحب و قرائت بیش از یک سوره را مکروه می‌شمارند (این قدامه، بی تا، ۴۹۴/۱). در این میان فقط شافعیه هستند که آن را جایز می‌دانند، نه واجب یا حتی مستحب (نووی، بی تا، ۳۴۷/۳). از این روی، به نظر می‌رسد توجیه حمل روایات جواز بر تقیه در این مورد از منطق مستحکمی برخوردار نباشد.

۳- حمل روایات حرمت بر کراهت که راه حل پیشنهادی صاحبان کتب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۳۶۰/۹)، مدارک الاحکام (عاملی، ۱۴۰۳ق، ۲۵۴/۳) و مجمع الفائدة (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۲۲۲/۲) است و از پشتیبانی قرائنی نیز برخوردار است.

الف) شیوع استعمال نهی در کراهت (نک: حائری، ۱۴۰۴ق، ۱۰۲؛ رازی اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ۳/۳؛ انصاری، ۱۴۱۹ق، ۹۹/۴)؛ گرچه معتقد باشیم نهی ظاهر در تحریم است، اما در صورت وجود قرینه، به صورت مجاز در کراهت استعمال می‌شود و این استعمال به- حدی شایع است که بعضی به شک افتاده‌اند و گفته‌اند: نهی مشترک بین تحریم و کراهت است. صاحب جواهر در این مورد می‌فرماید: قائل شدن به کراهت قران، اقوی است، زیرا قوی‌ترین معارض با این نظریه، وجود لفظ نهی دال بر حرمت در برخی از روایات است. لکن اولاً سند برخی از آنها صحیح نیست و ثانیاً کاربرد نهی در کراهت شایع است، به-

طوری که گفته شده استعمال نهی در کراهت و در حرمت هر دو حقیقت است و ثالثاً به قرینه اخبار صریح دال بر جواز باید صیغه نهی بر کراهت حمل گردد^۴ (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۳۶۰/۹).

ب) سایر اخبار دال بر جواز؛ همان گونه که در عبارت صاحب جواهر به آن اشاره شد، اخبار صحیحی به صراحت دال بر جواز است که یا در خصوص فریضه دال بر کراهت است و یا در مورد نافله صراحت در جواز داشته و در مورد فریضه ظهور در کراهت دارد. از این قبیل است صحیح زراره که امام علیه السلام فرموده: «انما یکره أن یجمع بین السورتین فی الفریضه اما النافله فلا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۷۴۱/۴) و مثل روایت محمد بن ادریس: «میان دو سوره در نماز واجب در یک رکعت جمع نکن، چه اینکه این گونه بهتر است» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۷۴۱/۳). در این روایت، عبارت «فانه افضل»، ظهور در کراهت دارد و اگر نگوئیم در کراهت صراحت دارد و ظهور ذیل حدیث در کراهت قرینه است برای تفسیر نهی موجود در صدر حدیث یعنی: «لا تقرن»، زیرا جمله ذیل حدیث به منزله بیان علت حکم است. افزون بر اینکه این جمله براساس قاعده پذیرفته شده که علت تعمیم دهنده و تخصیص زننده حکم است، می تواند مفسر نهی موجود در تمام روایات ناهی باشد.

هم چنین در حدیث دیگر است که: «نباید قران میان دو سوره در یک رکعت انجام شود، آن گونه که نباید بین دو طواف صورت پذیرد، نه در فریضه و نه در نافله» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۷۴۱/۴)؛ که در این روایت، کلمه قران، در دو حکم به کار رفته که یکی جمع میان دو سوره و دیگری جمع میان دو طواف است و به قرینه نهی از قران دوم، که دال بر کراهت است، به قرینه سیاق معنای مناسب با قران اول نیز کراهت می باشد.

نتیجه

۱. «قران» به معنای جمع میان دو سوره بعد از حمد در یک رکعت نماز واجب به قصد جزئیّت است. حکم قران در میان فقها مورد اختلاف است. حنابله اکتفا به یک سوره را

۴. الکراهة اقوی از اقوی معارض له فیما تقدم لفظة النهی فی بعض النصوص التي لم یصح بعض اسانیدها، و هو مع شیوعه فی الکراهة حتی قبل بمساواته الحقیقة، یجب حمله علیها فی المقام بقربنة تلک الاخبار التي لا ینبغی انکار صراحة بعضها او مجموعها.

مستحب و «قران» را مکروه می‌شمارند. شافعیه آن را جایز و غیرمکروه دانسته‌اند. برخی از مالکیه به کراهت قران و بعضی به عدم آن قائل هستند. ابوحنیفه نیز آن را خوشایند نمی‌داند، هرچند قائل به کراهت آن نیست. مشهور فقهای شیعه قائل به عدم جواز و البته بعضی نیز به جواز آن با کراهت قائلند.

۲. گرچه برخی از روایات ظهور در حرمت جمع بین دو سوره دارد، اما اثبات این حکم با توجه به دلایل معتبر دیگری که وجود دارد، غیرممکن است. از دیگر سو دلایل دال بر جواز مطلق نیز از قبیل اطلاق آیه قرآن به دلیل وجود قرینه معتبر بر خلاف آن، غیرقابل استناد است، زیرا اطلاق آیه دال بر جواز است و در صورت وجود قرینه بر خلاف، اطلاق از بین می‌رود.

۳. در مورد بحث دلایل معتبری بر خلاف اطلاق آیه قرآن وجود دارد. در این میان، جمع میان روایات مختلف و قرائن دیگر اثبات‌کننده جواز قران البته با کراهت است که از استدلال محکم و قابل دفاع برخوردار است و قرائنی نیز مؤید آن است. بنابراین اگر شخصی در نماز واجب بعد از حمد، دو سوره قرآن را قرائت نماید کراهت دارد و اما نماز وی صحیح است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه آل‌البتیت ﷺ، ۱۴۰۹ق.
- ابن‌ابی‌جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی اللئالی*، قم، سیدالشهدا ﷺ، ۱۳۶۲ش.
- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن‌حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد بن حنبل*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- ابن‌داود، حسن بن علی، *کتاب الرجال*، نجف، مطبعة حیدریه، ۱۳۹۲ق.
- ابن‌عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵م.
- ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد، *المغنی مع الشرح الکبیر*، بیروت، دارالکتب العربی، بی‌تا.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی‌داود*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۰م.
- امامی، محمد، «بازکاوی عدم وجوب قرائت سوره کامل»، *مجله مقالات و بررسیها*، شماره ۲۵، ۱۳۸۵ش.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، *فرائد الاصول*، قم، مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- بهوتی، منصور بن یونس، *کشاف القناع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذهب الاربعه*، قاهره، مکتبه البخاریه الکبری، بی‌تا.
- حائری، محمدحسین، *الفصول الغرویه*، قم، داراحیاء العلوم الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- حجتی، سید محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.
- خطاب، محمد بن محمد، *مواهب الجلیل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام*، مشهد، طوس، بی‌تا.
- همو، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البتیت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- همو، *خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- همو، *مختلف الشیعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق.

- همو، *منتهی المطلب*، تبریز، حاج احمد، ۱۳۳۳ش.
- همو، *نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، قدس محمدی، بی‌تا.
- دارمی، عبدالله بن بهرام، *سنن الدارمی*، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی‌تا.
- دسوقی، محمد بن احمد، *حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير*، دار احیاء الکتب العربیة، بی‌تا.
- رازی اصفهانی، محمدتقی، *هدایة المسترشدين*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۹ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- رافعی، محمد عبدالکریم، *فتح العزیز فی شرح الوجیز*، دارالفکر، بی‌تا.
- سمرقندی، علاء‌الدین، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الإتقان فی علوم القرآن*، قم، الشریف الرضی، بی‌تا.
- شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- همو، *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة*، قم، ستاره، ۱۴۱۹ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، مؤسسه آل‌البتیة ﷺ، لإحیاء التراث، بی‌تا.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، *العروه الوثقی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
- طباطبایی، سید علی بن محمد، *ریاض المسائل*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
- همو، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- همو، *الرسائل العشر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- همو، *الفهرست*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- همو، *المبسوط فی فقه الامامیة*، تهران، المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
- همو، *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی*، بیروت، دارالاندلس، بی‌تا.
- همو، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- عاملی، سید محمد، *مدارک الاحکام*، قم، مهر، ۱۴۱۰ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، المطبعة العلمیة،

۱۳۷۸ش.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، دارالرضی، بی تا.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، قوانین الاصول، چاپ سنگی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ش.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، پاکستان، المكتبة الحبيبية، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳م.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، قم، سیدالشهداء، ۱۳۶۴ش.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
- نووی، یحیی بن شرف، المجموع فی شرح المذهب، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- همو، روضة الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.